

جلسات شرح و تفسیر

صالحیہ
سجادیہ

حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)
جلسہ ۰۲

۱۳۹۵ / ۱۱ / ۱۸

- معرفی مختصر دعای چهل و دوم صحیفه
- انقلاب اسلامی، انقلابی قرآنی بود
- ختم قرآن، نعمتی بزرگ
- نزول کتاب آسمانی، یک سیره‌ی الهی است
- برتری قرآن بر سایر کتاب‌های آسمانی
- ویژگی‌های قرآن
- ویژگی منحصر به فرد قرآن کریم
- قرآن، جامع تمام کتاب‌های آسمانی است
- مهبجوریت قرآن
- انقلاب اسلامی و احیای قرآن
- ملاک بیگانگی با قرآن
- آسیبی که انقلاب را تهدید می‌کند

و نیز سیره‌ی اولیا خدا در ارتباط با قرآن کریم، تلاوت و قرائتش بیان شد. به مناسبت دوازدهم بهمن سراغ شخصیت امام راحل عظیم‌الشان رفتیم و نسبت این رجل الهی را با قرآن کریم عرض کردیم. آنچه در جلسه‌ی گذشته درباره‌ی شخصیت امام راحل عرض کردیم، اوج مطلب بود و شرح و مضامینی دارد که بماند.

انقلاب اسلامی، انقلابی قرآنی بود

کار بزرگی که امام عظیم‌الشان انجام دادند، درحقیقت خواست قرآن کریم بوده است. انقلاب اسلامی یک انقلاب قرآنی، متکی به قرآن و براساس دعوت و نقشه‌ی قرآن کریم و خواست الهی بود. به خاطر همین ویژگی‌ها می‌شود گفت از

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رد الله

معرفی مختصر دعای چهل و دوم صحیفه

موضوع سخن شرح مضامین و گزارش مطالب چهل و دومین دعای صحیفه مبارکه سجادیه است که دعای امام است در زمانی که قرآن کریم در تلاوت جاری خودش به سرانجام می‌رسید. دعاهای مختصر و نمونه‌های دیگری نیز در این باره موجود است، اما این دعا جزء مشهورترین دعاهایی است که برای ختم قرآن کریم نقل شده است.

جلسه‌ی گذشته به توفیق الهی مطالب بسیار مهم و حساسی در ارتباط و نسبت ما و قرآن کریم

آفاق معارف قرآنی راه پیدا کند. قرآن کریم تجلی‌گاه جمال خدای تبارک و تعالی است. انسان اگر بتواند همه‌ی قرآن را تماشا کند، موفق به دیدار جمال حق تبارک و تعالی شده است. این جمله‌ی زیبای امام صادق (علیه السلام) مبنای سخن ما است که فرمود: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ»؛ [۱] خدای متعال در کتابش تجلی کرده است. متنها این تجلی در ارتباط با کل قرآن موضوعیت دارد.

«عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ» این کتاب تو و نگاهشده‌ی تو است که حروفش، واژه‌ها، ترتیب، آغاز و انجامش، همه از سوی تو تحریر شده و وضع کرده‌ای. کلمه‌ی «کتابک» اینجا چنین پیامی را برای ما دارد.

این مقطع، یک تحول تاریخی همه‌جانبه اتفاق افتاد. امشب به فضل الهی و توفیق پروردگار، بخشی از همین دعای نورانی را ادامه می‌دهم و دوباره به مناسبت این دهه‌ی مبارکه، به انقلاب اسلامی مراجعه می‌کنیم.

ختم قرآن، نعمتی بزرگ

حضرت فرمودند: پروردگار! مرا کمک کردی بر ختم کتابت: «أَعْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ»؛ حضرت ختم قرآن را منت و نعمت بزرگی از سوی خدای متعال تلقی می‌کنند. «أَعْتَنِي» همان حالت امتنانی است؛ یعنی بر من منت گذاشتی و مرا یاری کردی. معلوم می‌شود امام، ختم قرآن کریم را جزء توفیقات الهی می‌دانند. کمک و مددی است به شخص برای اینکه بتواند به

روشننگری اذهان و دل‌ها، براساس اخلاق، ظرفیت‌های وجودی، محیط زیست و سیره‌ی اجتماعی امت‌ها، کتاب‌های آسمانی نازل می‌شده است. این کتاب‌ها نور است؛ زیرا امور را روشن، واضح و تفکیک می‌کند. حق و باطل، حلال و حرام، خیر و شر، مفید و مضر، و چاه و راه، وقتی از یکدیگر تمیز داده می‌شوند که نور باشد. وقتی تاریک هست، چیزی دیده نمی‌شود. نور باعث هدایت می‌شود؛ چراکه خودش روشن است و محیط را روشن می‌کند. در تعریف نور گفته‌اند: «ظَاهِرٌ بِذَاتِهِ، مُظَهَّرٌ لِغَيْرِهِ» ذاتاً ظاهر، آشکار، مبین و روشن است و برای دیگران نیز روشننگری و ظاهرسازی می‌کند. البته کلمه‌ی ظاهرسازی بار منفی دارد، ولی منظور ما بار مثبت آن است که آشکارسازی برای دیگران باشد.

«الَّذِي أَنْزَلْنَاهُ نُورًا» این کتاب از سوی تو نازل شده است. آن را به‌عنوان نور بر ما نازل کردی. «نور» از اسامی قرآن کریم است.

نزول کتاب آسمانی، یک سیره‌ی الهی است

«وَجَعَلْنَاهُ مَهْمِنًا عَلَىٰ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ»؛ قرآن را نسبت به هر کتاب دیگری که پیش از این نازل کردی، حاکم و فرمانروا قرار دادی.

این فراز اشاره دارد به اینکه پیش از این نیز از سوی خداوند بر انبیا کتاب‌هایی نازل شده است. صحف ابراهیم، انجیل، تورات و زبور، از جمله‌ی کتاب‌های آسمانی است که در قرآن کریم به آنها تصریح شده است. این یک سیره‌ی الهی است که برای هدایت خلق و

ویژگی خاتمیت است. در خود قرآن کریم تصریح شده که قرآن چنین خصوصیتی دارد. «فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ». داستان‌های بسیاری در کتاب‌های پیشین و توسط انبیا، از سوی تو گزارش شده، اما این را بر همه‌ی آن نقل‌ها برتری بخشیدی.

ویژگی‌های قرآن

«وَفُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكِ وَحَرَامِكِ»؛ قرآن را فرقان قرار دادی که به‌وسیله‌ی آن آنچه از نگاه تو حلال و حرام است، شناخته شود.

«وَقُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنِ شَرَائِعِ أَحْكَامِكِ»؛ این کتاب را قرآنی قرار دادی که آشکار می‌سازد احکامی را که برای زندگی ما

پس این سیره و سنت الهی از آغاز خلقت نیز برقرار بوده که برای بندگانش نور بفرستد و آنها را در تاریکی‌ها و ظلمات رها نکند.

برتری قرآن بر سایر کتاب‌های آسمانی

تورات، انجیل، زبور و صحف ابراهیم، همه نور بودند؛ منتها کتابی که بر پیامبر خاتم فرستادی، نسبت به همه‌ی کتاب‌هایی که قبل از این فرستادی، حاکم و ناسخ و فرمانروا قرار دادی: «جَعَلْتَهُ مَهْمِنًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ». آنچه در کتاب‌های دیگر بوده، اگر اینجا تأیید شد، تأیید می‌شود، چنانچه رد شد، رد می‌شود. اگر تغییر داده شد، تغییر داده می‌شود.

این کتاب، معیار است؛ و این

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَنْزِيلاً». این همان وحی‌ای است که تو بر وجود نازنین دردانه‌ی هستی، یعنی حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) نازل کردی. امام راحل یک جمله واقعاً فوق‌العاده‌ای دارند که: «معنویت پیغمبر اکرم بود که قرآن را نازل کرد». از مطالب درجه یک امام است که اسراری بود که آیت‌الحق حضرت شاه‌آبادی، بر این شخصیت برگزیده آشکارسازی کرد.

اینجا امام سجاد (علیه السلام) بر جدشان درود می‌فرستند: «صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ». دو کلمه‌ی «أَنْزَلْتَهُ» و «تَنْزِيلاً» تشریفات و روش خاص نزول وحی بر حضرت را نشان می‌دهد.

امام سجاد (علیه السلام) در ضمن این

در بخش‌های گوناگون زندگی تشریح کردی. احکام به‌وسیله‌ی قرآن فهمیده و انتقال داده می‌شود.

«كِتَاباً فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلاً»؛ مطالب این کتاب مجمل نیست؛ بلکه تفصیل داده شده و مطالبش به اندازه‌ی نیاز، تبیین و تشریح شده است. ضمن اینکه به سوره و آیه تقسیم شده است. اگر قرآن بخواهد اجمال شود، می‌شود سوره‌ی حمد. حمد، اجمال کل قرآن کریم است. اما خدای متعال به آن اکتفا نکرده و برای ما بازگشایی و رمزگشایی کرده و تفصیل داده است. هر کدام از این کلمات، «نور»، «مهیمن»، «فرقان» و «قرآن» شکر دارد؛ زیرا هر کدام یک نعمت بسیار شیرین است.

«وَحَيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

کلمات، قرآن را معرفی می‌کنند. حضرت در ادامه می‌فرماید: «جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ»؛ قرآن را نوری قرار دادی که با تبعیت از آن، از تاریکی‌های جهالت و ضلالت نجات پیدا می‌کنیم و خارج می‌شویم.

خانوادگی، اجتماعی، و جهانی است.

«وَمِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ»؛ قرآن، شاخص قسط و عدل است. زبان قرآن هیچ‌وقت از حق خرج نمی‌شود؛ به همین علت میزان محسوب می‌شود.

«وَشِفَاءٍ لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَيَّ اسْتِمَاعِهِ»؛ این کتاب را شفا قرار دادی؛ برای کسی که تصمیم می‌گیرد با سکوت عمیق و متفکرانه، تمام ظرفیت شنوایی خود را برای دریافت و فهم و درک آن به میدان آورد.

«وَنُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانَهُ»؛ نور هدایتی است که اگر کسانی به مشاهده آن بیایند، هیچ‌گاه برهانش را از آنها دریغ نمی‌کند. مثل خورشید نیست که گاهی غروب داشته باشد و گاهی طلوع؛ همیشه می‌درخشد. در آن افول و غروب راه ندارد. البته انسان‌ها نسبتشان با قرآن کریم تفاوت پیدا می‌کند؛ گاهی در اقبالند و گاهی در ادبار. این برمی‌گردد به آنها؛ قرآن همیشه برهانش همیشه

کلمه‌ی شفا ناظر به اعجاز قرآن کریم بر درمان بیماری‌های فکری، ذکری، اخلاقی، قلبی، جوانحی، جوارحی، فردی،

درخشان است. حق تبارک و تعالی، انسان، آغاز،

انجام، ظاهر و باطن هستی را
بینید.

اگر قرآن نبود، چه محرومیتی
داشتیم؟ قرآن دست عقل شما را
می گیرد و به بام هستی، یعنی
عرش، می برد و به تو این اجاز
را می دهد که از آنجا تماشا
کنی. حالا می توانی به قبل القبل
بروی و صحنه‌ی آفرینش را تماشا
کنی. به بعدالبعث نگاه‌ی بینداز و
فرجام هستی را تماشا کن. از
مطالبی شما را باخبر می کند که
هیچ کس نمی توانست در اختیار
شما قرار دهد.

این هنر قرآن کریم است. با
این تفاسیر اگر کسی از قرآن
محروم شد، از چه محروم شده
است؟ مبدأشناسی، معادشناسی،
هستی شناسی و انسان شناسی -
که مجموعه این معارف، معرفت

ویژگی منحصر به فرد قرآن کریم

قرآن کریم با این شرحی که
امام (علیه السلام) ارائه دادند، برای
ما چه کار می کند؟ اگر مطلبی
را که الان عرض می کنم، بگیری
و متوجه شوی، زاویه دیدت
نسبت به قرآن اصلاح می شود.
چنانچه کسی زاویه دیدش
نسبت به قرآن اصلاح شود، نوع
شکرگزاری اش در برابر نعمت
قرآن تغییر می کند.

قرآن کریم از مشیت بالغه اللهیه
رونمایی می کند و این امکان
را برای انسان فراهم می آورد
که به علم الهی راه یابد. امام
راحل فرمودند: «اگر قرآن نبود،
باب معرفت الله الی الابد بسته
بود». قرآن کریم این امکان را
فراهم می کند که شما از منظر

باید بگوییم که متأسفانه همه تحریف شده‌اند و چیزی به دست ما نرسیده است. ضمن اینکه هرچه در کتاب‌های قبل بوده، با مطالب اضافه در قرآن آمده است؛ منتها نه اضافه عادی؛ چون قرآن ناسخ، مهیمن و سخن آخر حق تعالی است. بنابراین همه‌ی کتاب‌های آسمانی قبلی، به‌صورت سالم، صحیح، اصلاح‌شده و گسترش‌یافته، در قرآن منعکس شده است. علاوه بر این، مطالب و فصل‌های تازه‌ای به آن اضافه شده است.

بخشی از خداشناسی فقط در قرآن کریم ارائه شده و در کتاب‌های پیشین اصلاً ارائه نشده است.

سوره‌ی توحید، آیات پایانی سوره‌ی مبارکه‌ی حشر و آیات ابتدایی سوره‌ی مبارکه‌ی حدید، از خصائص قرآن کریم است

الله تبارک و تعالی را شکل می‌دهد - در پرتو قرآن کریم به دست می‌آید.

قرآن کریم هندسه‌ی خلقت، دقیق‌تر بگوییم، هندسه‌ی هستی را در دسترس انسان قرار می‌دهد. این کتاب، نرم‌افزار عالم را در دسترس انسان قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که خدای متعال، عالم را چگونه اداره می‌کند. اصول، قواعد و سنت‌های حاکم بر تاریخ را نشان می‌دهد و از آنها پرده‌برداری می‌کند. قرآن دسترسی به علم الهی را آسان می‌سازد. شاعرانه‌اش این می‌شود: «نگاه با چشمان خداوند».

قرآن، جامع تمام کتاب‌های آسمانی است

در مورد کتاب‌های آسمانی قبل،

السلام) فرمود: «اگر در این عالم تنهای تنها باشم و فقط قرآن با من باشد، غمی ندارم». [۳] ما از قرآن چه برداشتی داریم؟ ما با همه هستیم، با قرآن نیستیم. چه به سر ما آمده که با فاصله‌ای که از قرآن کریم داریم، احساس وحشت نمی‌کنیم؟

اگر این انس در ما پیدا نشود و بمیریم، ضایع شده‌ایم و حسرت عظمای خواهیم خورد. قبلاً گفتیم: پروردگارا! به تو پناه می‌بریم از حسرت عظمای. حسرت عظمای این است که انسان متولد شویم و خدای متعال این نعمت عظیم را در دسترس ما قرار دهد، اما ناشکری و ناسپاسی کنیم و بی‌بهره یا با بهره‌ی کم از دنیا برویم.

که قبلاً در این سطح ارائه نشده است. بخش عمده‌ای از رمزگشایی‌ها در ارتباط با قیامت و اتفاقات آن، تازه و جدید است که بر امت‌های گذشته عرضه نشده بود. لذا امام خمینی (ره) فرمود: «اگر قرآن نبود، باب معرف الله تا ابد بسته بود».

مهجوریت قرآن

با وجود چنین قرآنی، ما با آن چگونه رفتار می‌کنیم؟ «قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ [۲] پیامبر گفت: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند». پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از دست من و شما گله کرد که چرا به قرآن عمل نمی‌کنیم و آن را مهجور کرده‌ایم. انشاءالله به برکت دعای چهل و دوم صحیفه، انسی بین ما و قرآن کریم برقرار شود. امام سجاد (علیه

انقلاب اسلامی و احیای قرآن

نظام جمهوری اسلامی، موفق شدند مجالس قرآن تشکیل دهند و حفظ قرآن در جامعه راه افتاد. قبل از این، با قرآن قهر بودیم. گویا اکنون آشتی اتفاق افتاده و قرآن به کتاب‌های درسی ما راه پیدا کرد.

این سخنان غلط نیست، اما درست هم نیست. آنچه با عنوان ارتباط با قرآن عرض کردیم، به معنای مجالس قرآن، کلاس‌های قرآن، تفسیر قرآن، حفظ قرآن، تلاوت قرآن و پایان‌نامه‌هایی که بر اساس معارف قرآنی نوشته می‌شود، نیست. البته اینها اتفاقات بسیار بزرگ و مبارکی است که متأسفانه بعضی‌ها ناجوان‌مردانه آن را نمی‌بینند.

منتها اینکه گفتیم عصر ما، عصر آشتی با قرآن کریم است، این

اگر بخواهم برای این قطعه از زمان عنوانی قرار دهم تا با آن، روزگار خود را به شما معرفی کنم تا قدر این روزگار را بدانید، آن عنوان، «عصر خمینی» خواهد بود. افتخارمان این است که خمینیون هستیم و انشاءالله حشرمان با آن رجل الهی باشد. ویژگی عصر ما، آشنایی با قرآن کریم است؛ عصر بازگشت به قرآن و آشتی با آن است.

ممکن است به ذهنتان آید که بازگشت به قرآن، یعنی شکل‌گیری مجالس قرآنی و حفظ آن. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از جمله اتفاقاتی که در جامعه افتاد، این است و از این جهت وارد یک دوره جدید شدیم. عده زیادی از مردم ما به خاطر این انقلاب بزرگ و شکل‌گیری

داشتیم. آنچه دارد رخ می‌دهد، یک آشتی تاریخی است. قهر با قرآن ابتلا به شرک است. مظهر توحید در عرصه‌ی تاریخ ولایت الهی است و مظهر شرک در عرصه‌ی تاریخ، طاغوت است.

ملاک بیگانگی با قرآن

اگر جامعه‌ای همواره با قرائت اهل بیت قرآن بخوانند، تفسیر داشته باشند، آن را حفظ کنند، ده میلیون حافظ داشته باشند، یک میلیون نفر مفسر باشند، تمام مراکز تعلیم و تربیتش مشغول آموزش قرآن باشد، اما حاکمیتشان طاغوت باشد، این جامعه با قرآن کریم قهر است؛ منتها در جهل مرکب هستند و خیال می‌کنند با قرآن آشتی هستند. طبق نص قرآن کریم، جامعه‌ی تحت ولایت طاغوت،

اتفاقات گوشه‌ای از آن آشتی‌کنان است. مسئله این است که مغز و اصل پیام قرآن کریم، عبارت است از توحید. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم فرمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا!» [۴] بگویید: لا اله الا الله تا رستگار شوید». توحید نقطه‌ی مقابل شرک است. شرک انواعی دارد. اما توحید نور است، وحدت و یکپارچگی دارد و کثرت نمی‌پذیرد؛ ولی شرک کثرت‌پذیر است.

در اینجا مطالب چند جلد کتاب را در چند جمله خلاصه‌گیری و فشرده‌سازی می‌کنم که کار بسیار مشکلی است. غرض آنکه انقلاب اسلامی عصر بازگشت به توحید است و توحید، قلب و حقیقت قرآن کریم است. ما با قرآن آشتی تاریخی کردیم؛ همان‌طور که قبلاً قهر تاریخی

گرفتار شرک است، آن‌هم شرک اجتماعی و عملی؛ بنابراین چنین جامعه‌ای با قرآن کریم قهر است. چون با ذات، حقیقت، خواست و دلالت قرآن بیگانه است. خواست قرآن کریم عبارت است از زندگی تحت ولایت حق تبارک و تعالی. زمان ما چه اتفاقی افتاد؟ این آن چیزی است که اگر بفهمی، به قول شعرا و عرفا، به رقص می‌آیی و ابتهاج پیدا می‌کنی و برای ثانیه‌ها و لحظه‌هایش از شور، نور، امید، احساس، وظیفه و حرکت سرشار می‌شوی.

بر این اساس، سکولاریزم را نیز شرک بدانید. سکولاریزم آشکار بنویسید، شرک آشکار بخوانید؛ سکولاریزم پنهان بنویسید، شرک پنهان بخوانید. چنانچه کسی گفت دین به جامعه و سیاست چه کار دارد، حتی اگر عالم هم باشد، مشرک محسوب می‌شود.

این عصر، عصر آشتی با قرآن کریم است؛ یعنی عصر لبیک گفتن به دعوت توحید؛ توحید همراه ولایت. حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) در حدیث سلسله الذهب فرمود: «كَلِمَةٌ لَا

عبور کردیم و موحد شدیم. این اتفاق بزرگی است و یک رخداد ساده نیست. از برکت انقلاب از سکولاریزم آشکار نجات پیدا کردیم و به دامن توحید آمدیم. توحید در چهره‌ی ولایت علوی در مدل عصر غیبتش، عبارت است از ولایت فقیه. چقدر این کلمه قشنگ است!

آسیبی که انقلاب را تهدید می‌کند

توحید ظاهر و آشکار را شرک پنهان و خفی تهدید می‌کند و امروز چیزی که جامعه و نظام ما را تهدید می‌کند، پدیده‌ای است خطرناک به اسم سکولاریزم پنهان. این همان چیزی است که آقا فرمودند: مواظب سیرت انقلاب باشید. صورت هست؛ سیرت را باید مراقبت کرد.

در مورد سکولاریزم پنهان، از قبیل شرک خفی است که مطلب دقیق‌تر هست؛ ولی در وجه آشکارش یعنی چی؟ چنین فکری، دین و تشریح الهی را منزوی می‌کند.

برخی می‌گویند برای زندگی اجتماعی، تمدن‌سازی و جامعه‌سازی به وحی، خدا، پیغمبر و نقشه‌ی الهی نیازی نداریم. خودمان برنامه‌اش را می‌ریزیم. برنامه‌اش را ریختند که بشریت به این سردرگمی رسید.

جامعه‌ی ما از برکت انقلاب اسلامی زیر پرچم توحید آمد و گفت: من زیر ولایت طاغوت، چه در چهره‌ی استبداد و چه در چهره‌ی استکبار نمی‌روم. این شد یک نقطه‌ی آغاز. به برکت انقلاب اسلامی، از شرک ظاهر

برای اینکه اهداف انقلاب محقق شود، باید کارهای بزرگ و دقیقی انجام داد. بنابراین انقلاب همچنان ادامه دارد. خیلی‌ها خیال کردند چون شاه رفت، امام آمد و نظام جمهوری اسلامی مستقر شد، پس دیگر به انقلاب نیازی نیست. صریح گفتند: انقلاب دیگر تمام شد. این افراد یا بسیار ظاهراندیش هستند یا فوق‌العاده شیطان‌صفت. البته طبق حسن ظن می‌گوییم کوتاه‌نظر، سطحی‌نگر و ظاهرگرا هستند. ولی کسی که عمده‌امداداً می‌گوید انقلاب و عصر انقلابی‌گری تمام شده، جزء حزب شیطان است. پناه می‌بریم به خدای متعال از اینکه چنین چیزی بگوییم.

برای اینکه اهداف انقلاب محقق شود، باید کارهای بزرگ و دقیقی انجام داد. بنابراین انقلاب همچنان ادامه دارد. خیلی‌ها خیال کردند چون شاه رفت، امام آمد و نظام جمهوری اسلامی مستقر شد، پس دیگر به انقلاب نیازی نیست. صریح گفتند: انقلاب دیگر تمام شد. این افراد یا بسیار ظاهراندیش هستند یا فوق‌العاده شیطان‌صفت. البته طبق حسن ظن می‌گوییم کوتاه‌نظر، سطحی‌نگر و ظاهرگرا هستند. ولی کسی که عمده‌امداداً می‌گوید انقلاب و عصر انقلابی‌گری تمام شده، جزء حزب شیطان است. پناه می‌بریم به خدای متعال از اینکه چنین چیزی بگوییم.

الان باید این اتفاق بزرگ کاملاً مستقر شود و در آستانه‌ی چهل‌سالگی، نظام بتواند در تمام

به گمان من پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آیه «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا

جان و جانان بگذرند. این همان جماعتی هستند که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آه که چقدر مشتاق برادرهایم هستم!

ان‌شاءالله که خدای متعال شما را حفظ کند و در این بازگشت به قرآن کریم، موفق بدارد. جامعه‌ی ما را در استقرار نظامات قرآنی، یعنی توحید به تمام معنا در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی موفق بدارد.

کار بزرگ تازه شروع شده، به‌رغم کسانی که می‌گفتند تمام شده است. هدف اساسی، استقرار همه‌جانبه‌ی این نظام توحیدی است که ان‌شاءالله خداوند توفیق آن را به نسل جدید و شما عزیزان کرمت کند.

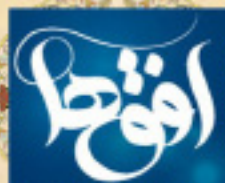


هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا؛ از رفتار امتش با جانشینش شکایت می‌کند؛ چون قرآن، در ولایت علی (علیه السلام) تجلی پیدا می‌کند. بحث قرآن خواندن نیست؛ زیرا از حفظ و باقرائت، از اول به آخر و از آخر به اول قرآن می‌خواندند. در آن روزگار همه مشغول قرآن خواندن بودند.

قرآن وقتی می‌خواهد در حیات اجتماعی متجلی شود و حیات طیبه را ایجاد کند، با ولایت علی (علیه السلام) به میدان می‌آید که رمز چشمه‌ی حیات است. بنابراین اگر کسی از ولایت علوی فاصله گرفت، با قرآن قهر کرده است. گویا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «سلمانیان و خمینیون لایتخذوا هذا القرآن مهجوراً؛ بل رجعوا إلى القرآن». برای آشتی با قرآن حاضر شدند از

منابع و مأخذ

- [۱]. ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۱۶.
- [۲]. فرقان: ۳۰.
- [۳]. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳.
- [۴]. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۴۳.
- [۵]. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۵.



افوغها؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۲ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجمع فرهنگی شهدای هفتم تیر